

به نام پروردگار مهربان

+ خلاصه گرامر

واژگان تصویری زبان یازدهم

حمیدرضا نوربخش



مهروماه



تقدیم به امام علی النقی (ع)

مقدمه

یکی از کتاب‌هایی که از تألیف اون خیلی لذت بردم همین کتاب لقمه تصویری سال یازدهم است. شاید به ظاهر کوچک باشه اما یه کتاب کامل هست و به قول معروف (فلفل نبین چه ریزه بشکن ببین چه تیزه).

کتاب واژگان تصویری زبان یازدهم، کتابی است که مطابق با آخرین متدهای آموزش لغات زبان نوشته شده است و از این جهت نیاز تمامی دانش‌آموزان از مقدماتی‌ترین تا پیشرفته‌ترین سطح را پوشش داده است.

اما برسیم به ویژگی‌های کتاب:

۱ آموزش تصویری لغات به همراه جمله:

در هر درس کامل‌ترین لیست لغات را به همراه تصویر مرتبط به آن کلمه و يك جمله برای یادگیری بهتر آورده‌ایم. پس خیالتان راحت که تمامی لغت‌های مهم هر درس برایتان آورده شده است و استفاده از تصویرسازی و جمله‌سازی برای هر کلمه، باعث ماندگاری بیشتر آن کلمه در ذهنتان می‌شود.

۲ لغات کتاب کار:

ما حتی دست از سر لغات کتاب کار برنداشته‌ایم و در هر درس لغات مهم کتاب کار را به همراه تصویر و کاربرد آن کلمه در جمله به شما آموزش داده‌ایم.

۳ مترادف‌ها و متضادها:

در انتهای هر درس، تمامی مترادف‌ها و متضادهای مهم و ضروری را آورده‌ایم.

۴ تمرین‌های کاربردی:

بعد از آموزش هر ۵ لغت، ۵ تمرین جایگزینی و ۵ تمرین تعریفی برایتان در نظر گرفته‌ام تا فرآیند یادگیری لغت تکمیل شود.

۵ آموزش تصویری گرامر به سبک کتاب کلاس:

اعتقاد بر این است که دانش‌آموز در بحث گرامر نکات غیر کاربردی و غیر ضروری را یاد نگیرد و به همین دلیل گرامرها را به‌طور کامل به سبک کتاب کلاس و به همراه تصویرسازی آموزش داده‌ام.

خُب! دیگه چی می‌خوای؟؟؟

۶ آموزش لغات موضوعی:

لغت‌ها را تا جایی که امکان داشته از سال هفتم تا سال یازدهم به‌صورت موضوعی دسته‌بندی کرده‌ام تا در حافظه بلند مدت تان نقش ببندد.

۷ واژه‌نامهٔ الفبایی:

کامل‌ترین واژه‌نامه از سال هفتم تا سال یازدهم در انتهای کتاب در بخش ضمیمه‌ها قرار داده شده است تا خیال شما را از همه چیز راحت کند.

۸ افعال دوکلمه‌ای:

تمامی افعال دو کلمه‌ای از سال هفتم تا سال یازدهم در ضمیمهٔ انتهای کتاب آورده شده است.

۹ عبارات و اصطلاحات:

عبارات و اصطلاحات سال هفتم تا سال یازدهم در ضمیمهٔ انتهای کتاب آورده شده است که یکی از مهم‌ترین ضمیمه‌های این کتاب است.

۱۰ پیشوندها و پسوندها:

در ضمیمهٔ انتهای کتاب به آموزش پیشوندها و پسوندها پرداخته‌ام که خواندن آن از واجبات است.

تشکرنامه

+ چنین ایده‌های زیبایی برای تألیف این چنین کتاب‌هایی فقط می‌تواند از يك ذهن خلاق باشد.

این کتاب ما حاصل افکار زیبای آقای احمد اختیاری مدیر انتشارات مهروماه است که صمیمانه از ایشان برای حمایت‌هایشان کمال تشکر را دارم.

+ متشکرم از خانواده‌ام که همیشه پشتیبان من بوده‌اند.

+ آقای احسان عرب و سرکار خانم سارا ذبیحی بسیار متشکرم
که همیشه راهنمای راه زندگی من بوده‌اید.

+ در ویراستاری این کتاب سرکار خانم رقیه ظفرآبادی بسیار
زحمت کشیدند که کمال تشکر را از ایشان دارم.

+ تشکر ویژه‌ام تقدیم به سرکار خانم سمیه حیدری مدیر
اجرایی تألیف، دروس عمومی، خانم سمیه جباری مدیر تولید،
جناب آقای محسن قلی‌زاده که صفحه‌آرایی کتاب رو انجام دادند
و سرکار خانم فرشته شاه‌بیک که زحمت انتخاب و ویرایش
تصاویر را برعهده داشتن.

امیدوارم که با خواندن این کتاب لبخند رضایت بر لبانتان نقش
بیند.

ارادتمند

حمیدرضا نوربخش

فهرست

بخش ۱ واژگان (Vocabulary) ۹

۱۱	درس ۱
۶۵	درس ۲
۱۳۱	درس ۳

بخش ۲ گرامر (Grammar) ۱۸۷

۱۸۸	درس ۱
۱۹۶	درس ۲
۲۰۳	درس ۳

بخش ۳ پاسخ تمرین‌ها (Answers) ۲۰۹

۲۱۰	درس ۱
۲۱۹	درس ۲
۲۳۰	درس ۳

بخش ۴ ضمیمه (Index) ۲۴۱

۲۴۲	افعال دوکلمه‌ای
۲۴۲	عبارات و اصطلاحات
۲۴۵	پیشوندها
۲۴۶	پسوندها
۲۴۷	واژه‌نامه موضوعی
۲۵۱	واژه‌نامه الفبایی

بخش ۱

واژگان

Vocabulary

Lesson

1

Understanding People

1 ability /ə'biləti/ (n.)

توانایی

Her teammates respect her abilities.

هم تیمی‌های او به توانایی‌هایش احترام می‌گذارند.



2 absolutely /,æb.sə'lu:t.li/ (adv.)

۱. قطعاً ۲. کاملاً

Can you lend me \$10 till tomorrow?

Absolutely, it's no problem.

می‌توانی تا فردا ۱۰ دلار به من قرض بدهی؟ قطعاً، مشکلی نیست.



3 action /'æk.jən/ (n.)

عمل، اقدام، کار

She tried to explain her action.

او سعی کرد کارش را توضیح دهد.



4 additional /ə'dɪʃ.ən.əl/ (adj.)

اضافی، بیشتر

We needed additional time to finish our homework.

ما برای تمام کردن تکالیفمان به زمان اضافی نیاز داشتیم.



5 almost /'ɑ:l.moust/ (adv.)

تقریباً

Goats will eat almost anything.

بزها تقریباً هر چیزی را خواهند خورد.



exercise

◀ کلمه‌ها را جایگزین کنید.

ability, absolutely, action, additional, almost

- 1 He gets money from his parents.
- 2 He showed his as a leader.
- 3 Army said to be ready for
- 4 I agree with what teacher said.
- 5 I wish I hadn't invited him.

◀ برای هر «تعریف» لغت مناسب را بنویسید.

- 6 :The process of doing something
- 7 :Nearly, but not completely
- 8 :More than is usual or expected
- 9 :The physical or mental power or skill
- 10 :Completely and in every way

6 amazing /ə'meɪzɪŋ/ (adj.)

شگفت‌انگیز

The amazing thing is that it was kept secret for so long.

چیز شگفت‌انگیز این است که این (موضوع) مدت‌ها به صورت راز نگه داشته شد.



7 appropriate /ə'prɒ.pri.ət/ (adj.)

مناسب

I don't have any appropriate clothes.

من هیچ لباس مناسبی ندارم.



8 available /ə'veɪ.lə.bəl/ (adj.)

موجود، در دسترس

Her new book is available in book-stores.

کتاب جدید او در کتاب‌فروشی‌ها موجود است.



9 belief /bi'li:f/ (n.)

باور، ایمان، عقیده

His belief in God gave him hope during difficult times.

ایمانش به خدا در مواقع دشوار به او امید می‌داد.



10 besides /bi'saɪdz/ (prep.)

علاوه بر، به علاوه

Do you play any other sports besides golf?

آیا علاوه بر گلف ورزش دیگری هم انجام می‌دهی؟



exercise

◀ کلمه‌ها را جایگزین کنید.

amazing, appropriate, available, belief, besides

- 11 Each boy is given a special exercise that is for his needs.
- 12 The thing is that no one knows where it came from.
- 13 She wants to learn other languages English and French.
- 14 Parking is for people staying at the hotel.
- 15 We need to learn to accept people who have different from ours.

◀ برای هر «تعریف» لغت مناسب را بنویسید.

- 16 : The feeling that something is completely true
- 17 : Causing great surprise or wonder
- 18 : Able to be used or gained
- 19 : In addition to someone or something else
- 20 : Correct or suitable for a special time, situation, or aim

بخش ۲

گرامر

Grammar


Lesson 1


درس ۱

اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسامی قابل شمارش

اگر بتوانیم اسمی را بشماریم، به آن اسم، قابل شمارش می‌گوییم. مثلاً ما می‌توانیم بگوییم *one car* , *two cars* و ... بنابراین *car* یک اسم قابل شمارش است.

سلام استاد ... من یادم می‌آید توی سال دهم اسم‌های قابل شمارش به دو دسته مفرد و جمع تقسیم می‌شدند، درست؟ 

سلام. کاملاً درست. برای یادآوری، مطالب زیر رو بخونید: 

نکات مهم

- اسامی مفرد می‌توانند *a* یا *an* یا *the* بگیرند.
- اسامی مفرد را می‌توانیم با اضافه کردن *s* یا *es* به انتهای آن‌ها جمع ببندیم.

a book → two books

a potato → three potatoes

- شکل جمع بعضی از اسامی مفرد بی‌قاعده هستند و باید آن‌ها را حفظ کنیم.

a wolf → two wolves

one mouse → five mice

one fish → three fish

ویژگی اسامی قابل شمارش

۱ می‌توانند بعد از a، an یا one بیایند.

a book

an apple

one car

۲ قبل از آن‌ها می‌توانیم از few (کمی)، a few (چند تا)، many

(خیلی)، a lot of (تعداد زیادی)، lots of (تعداد زیادی) و some

(تعدادی) استفاده کنیم.

few friends

a few flowers

many pens

a lot of birds

lots of cats

some books

۳ قبل از آن‌ها می‌توانیم از عدد (two و three و ...) استفاده کنیم.

three tigers

five pencils

۴ برای سؤالی کردن اسامی قابل شمارش از how many (چند


تا) استفاده می‌کنیم.


e.g How many cars do you have?

شما چند تا ماشین دارید؟

اسامی غیرقابل شمارش

اگر نتوانیم اسمی را بشماریم، به آن اسم، غیرقابل شمارش می‌گوییم. مثلاً water یک اسم غیرقابل شمارش است. چون نمی‌توانیم بگوییم one water یا two waters یا

استاد می‌شه لطفاً به ما یاد بدین چه اسم‌هایی در دسته‌ی اسامی غیرقابل شمارش قرار می‌گیرن؟ 

یه کم صبر می‌کردی خودم می‌گفتم. جدولی که در ادامه اومده، دسته‌بندی کلی اسم‌های غیرقابل شمارش رو نشون می‌ده. 

wood - plastic - silk	بسیاری از موارد مصالح
gold - silver - steel	فلزات
fruit - cheese - bread	مواد غذایی
water - oil - air	مایعات و گازها
honesty - patience - knowledge	افکار و احساسات
mathematics - chemistry - biology	موضوعات درسی
music - information - grammar	اسم‌های انتزاعی

ویژگی‌های اسامی غیرقابل شمارش

① نمی‌توانند با حروف تعریف a / an به کار روند. اما می‌توانند the بگیرند.

the information

بخش ۳

پاسخ تمرین‌ها

Answers

درس ۱

۱. additional: او از والدینش پول اضافی می گیرد.
۲. ability: او توانایی اش را به عنوان یک رهبر نشان داد.
۳. action: ارتش گفت که برای اقدام آماده باشند.
۴. absolutely: من کاملاً با چیزی که معلم گفته بود موافقم.
۵. almost: تقریباً آرزو داشتم که او را دعوت نکرده بودم.
۶. action
۷. almost
۸. additional
۹. ability
۱۰. absolutely
۱۱. appropriate: به هر پسر تمرین خاصی داده شد تا متناسب با نیازهایش باشد.
۱۲. amazing: چیز شگفت‌انگیزی است که هیچ کس نمی‌داند آن از کجا آمد.
۱۳. besides: او می‌خواهد علاوه بر انگلیسی و فرانسوی زبان‌های دیگر را نیز بیاموزد.
۱۴. available: پارکینگ برای افرادی که در هتل می‌مانند در دسترس است.
۱۵. belief: ما نیاز داریم یاد بگیریم که افرادی که عقیده متفاوتی با ما دارند را بپذیریم.
۱۶. belief
۱۷. amazing
۱۸. available
۱۹. besides
۲۰. appropriate
۲۱. century: بیش از یک قرن طول می‌کشد تا این مسجد کامل شود.
۲۲. broadcasting: مقدار هنگفتی پول صرف پخش برنامه‌های ورزشی می‌شود.
۲۳. borrow: ما همیشه می‌توانستیم از بانک مقداری پول قرض بگیریم.
۲۴. circle: دو سگ در باغ زیبای شهر دور یکدیگر می‌چرخیدند.
۲۵. candle: به تمام والدین شمع کوچک قرمزی داده شد تا برای بچه‌هایشان روشن کنند.
۲۶. circle
۲۷. century

- یکدیگر متفاوتند.
۴۴. Despite: او بر خلاف بیماریش، سر کار آمد.
۴۵. developed: او از یک بچه خجالتی به یک ستاره بین‌المللی پیشرفت کرد.
۴۶. die
۴۷. deaf
۴۸. different
۴۹. despite
۵۰. develop
۵۱. ends: ما باور نداریم که زندگی با مرگ پایان می‌یابد.
۵۲. exercise: تو واقعاً باید بیشتر تمرین کنی.
۵۳. disappeared: من نمی‌توانم هیچ جایی کلیدهایم را پیدا کنم. کاملاً ناپدید شده‌اند.
۵۴. exchange: اگر هدیه را دوست ندارید، می‌توانید آن را تعویض کنید.
۵۵. enjoy: من می‌خواهم سفر کنم چون از ملاقات کردن مردم و دیدن جاهای جدید لذت می‌برم.
۵۶. disappear
۵۷. exchange
۵۸. end
۲۸. broadcasting
۲۹. candle
۳۰. borrow
۳۱. cultures: من عاشق کار کردن در خارج از کشور و ملاقات با افرادی از فرهنگ‌های مختلف هستم.
۳۲. countable: دوستانی که به واسطه این گروه یافته‌ام قابل شمارش نیستند.
۳۳. communicate: داشتن دانش یک چیز است اما داشتن توانایی ارتباط برقرار کردن چیز دیگر.
۳۴. create: پایان جنگ سرد کمک کرد تا وضعیت بهتری خلق شود.
۳۵. continent: معلم ما می‌گوید: استرالیا کوچکترین قاره جهان است.
۳۶. continent
۳۷. communicate
۳۸. culture
۳۹. countable
۴۰. create
۴۱. died: او در ۹۴ سالگی در خواب مرد.
۴۲. deaf: اسکار، پسر دوم او، ناشنوا متولد شد.
۴۳. different: پسران ما خیلی با

۷۳. fluent: او در ایتالیا متولد شده
اما زبان انگلیسی اش سلیس و روان
است.
۷۴. greatly: جغرافیای روسیه شمالی
خیلی با جنوب آن مغایرت دارد.
۷۵. gave up: بعد از ده دقیقه تلاش
برای رسیدن به جواب تسلیم شدم.
۷۶. give up
۷۷. fluent
۷۸. fortunately
۷۹. greatly
۸۰. foreigner
۸۱. grass: درختان، گیاهان و علف
ها توانایی رشد کردن دارند.
۸۲. hard-working: او دانش آموز
سخت کوشی بود اما دوستش یک
دانش آموز تنبل بود.
۸۳. holy: قرآن کتاب مقدس
اسلامی است.
۸۴. honest: اگر بخواهم صادق
باشم، فکر نمی کنم امکان پذیر باشد.
۸۵. host: حالا او میزبان برنامه
خودش در کانال چهار است.
۸۶. honest
۸۷. holy
۸۸. grass
۵۹. enjoy
۶۰. exercise
۶۱. fast: برخلاف اندازه اش، بوفالو
حیوان خیلی سریعی است.
۶۲. exist: گیاهان و حیوانات بسیاری
هستند که فقط در استرالیا وجود
دارند.
۶۳. fell down: او روی زانوانش
افتاد و دعا کرد.
۶۴. explanation: برای این که چرا
نیمه شب دیشب در خانه نبودی،
توضیح خوبی داری؟
۶۵. experience: من فقط یک بار او
را ملاقات کردم و آن تجربه ای بود
که هرگز فراموش نخواهم کرد.
۶۶. experience
۶۷. fall down
۶۸. exist
۶۹. fast
۷۰. explanation
۷۱. Fortunately: خوشبختانه
قبل از این که باران شروع به باریدن
کند ما به خانه رسیدیم.
۷۲. foreigners: قانون گفته است
که خارجی ها می توانند در هاوایی
زمین بخرند.

۸۹. host
 ۹۰. hard-working
 ۹۱. impossible: او نه گفتن را برای من غیر ممکن کرد.
 ۹۲. international: تیم بین‌المللی دانشمندان خیلی زیاد به ما کمک کردند.
 ۹۳. imagine: نمی‌توانم تصور کنم او از ما چه می‌خواهد.
 ۹۴. information: من به چند کتابخانه رفتم تا در مورد موسیقی اطلاعات جمع‌آوری کنم.
 ۹۵. institute: ما برای تحقیقات علمی در کشورمان به مؤسسه نیاز داریم.
 ۹۶. impossible
 ۹۷. imagine
 ۹۸. institute
 ۹۹. information
 ۱۰۰. international
 ۱۰۱. juice: من دوست دارم یک لیوان آب میوهٔ سیب همراه با کیک بنوشم.
 ۱۰۲. kind: لطفاً با خواهرت مهربان باش.
 ۱۰۳. keep off: او یک علامت به من داد تا از علف‌ها دور شوم.
 ۱۰۴. invited: او عدهٔ زیادی را به مهمانی دعوت کرد اما نیمی از آنها پیدایشان نشد.
 ۱۰۵. interviewed: آنها برای یک شغل با هفت نفر مصاحبه کردند.
 ۱۰۶. invite
 ۱۰۷. kind
 ۱۰۸. interview
 ۱۰۹. juice
 ۱۱۰. keep off
 ۱۱۱. loaf: من یک قرص نان قهوه‌ای پختم.
 ۱۱۲. languages: جاوا و پرل دوزبان برنامه‌نویسی رایانه‌ای مهم هستند.
 ۱۱۳. lost: او در تصادف اتوموبیل پایش را از دست داد.
 ۱۱۴. look for: آنها مجبور بودند شهر را ترک کنند و بعد از جنگ دنبال یک آپارتمان جدید باشند.
 ۱۱۵. largely: من فکر می‌کنم این داستان بیش‌تر حقیقت باشد.
 ۱۱۶. largely
 ۱۱۷. loaf
 ۱۱۸. language
 ۱۱۹. lost
 ۱۲۰. look for

بخش ۴

ضمیمه

Index

افعال دوکلمه‌ای، عبارات و اصطلاحات، پسوندها و پیشوندها
واژه‌نامه موضوعی، واژه‌نامه الفبایی
(شامل واژه‌های کتاب‌های هفتم، هشتم، نهم، دهم و یازدهم)

افعال دو کلمه‌ای

give up	رها کردن، ترک کردن	keep off	دور ماندن، دور نگه داشتن
hang out	وقت گذراندن	make up	ساختن، تشکیل دادن
hurry up	عجله کردن	turn off	خاموش کردن
look after	مراقبت کردن	relate to	مربوط بودن به، ربط داشتن به
look back	به عقب نگاه کردن	come from	اهل جایی بودن، از ... آمدن
take away	از میان برداشتن، از بین بردن	get along with	کنار آمدن با
think off	فکر کردن درباره	get back	برگشتن
turn round	دور زدن	call back	دوباره تماس گرفتن
wake up	بیدار شدن	check in	پذیرش کردن (در هتل و ...)
		get away	فرار کردن

عبارات و اصطلاحات

you're welcome ¹¹	خواهش می‌کنم	by means of ¹¹	به وسیله
above all ¹¹	مهم‌تر از همه	get ready! ¹¹	آماده باش!
All right ¹¹	خیلی خوب	here you are ¹¹	بفرمایید
		no matter ¹¹	مهم نیست
		surf the net ¹¹	وب‌گردی

keep healthy 10	سالم نگه داشتن	come on! 11	عجله کن
at the end 10	در پایان	couch potato 11	فرد تنبل / خوره تلویزیون
be after 10	به دنبال ... بودن	How is it going? 11	چه خبر؟
believe me! 10	باور کن	I see 11	می فهمم، متوجه ام
make a noise 10	سرو صدا کردن	you're right 11	حق باشماست، شماراست می گویی
next door 10	همسایه بغل	as follows 11	بدین قرار است، بدین شرح است
at the same time 10	به طور هم زمان	go well (with) 11	خوب پیش رفتن
in fact 10	در واقع، در حقیقت	well done 11	آفرین!
asks the information desk 9	از بخش اطلاعات سؤال کردن	what for 11	چرا!
at the turn of the year 9	در زمان سال تحویل	peace be upon him (PBUH) 10	رحمت بر او باد
bake a cake 9	کیک پختن	take a picture 10	عکس گرفتن
board the plane 9	سوار هواپیما شدن	take medicine 10	دارو خوردن
get off a bus 9	از اتوبوس پیاده شدن	take a taxi 10	تاکسی گرفتن
get on a bus 9	سوار اتوبوس شدن	thousands of ... 10	هزاران، تعداد زیادی از ...
go out on nature day 9	بیرون رفتن در روز طبیعت	for example 10	برای مثال
		all day long 10	تمام طول روز

twist one's ankle 9

پیچ خوردن قوزک پا

How it works 9

چگونه کار می‌کند؟

lagre member of 9

تعداد زیادی از

no pain, no gain 9

نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.

an online course 9

یک دوره آنلاین

browse the internet 8

چرخ زدن در اینترنت

How do you like it in Iran? 8

ایران را چه‌طور دوست داشتید؟

Is she ok? 8

او حالش خوب است؟

give heath advice 8

توصیه پزشکی دادن

go mountain 8

به کوهنوردی رفتن

have a running nose 8

آبریزش بینی داشتن

have a sore throat 8

گلودرد داشتن

have a temperatures 8

تب داشتن

It is famous for ... 8

این مشهور است برای ...

It is in the center of ... 8

این در مرکز ... قرار دارد.

hire a taxi 9

تاکسی کرایه کردن

hold a ceremony 9

جشن گرفتن

Islamic revolution

Anniversary 9

سالگرد انقلاب اسلامی

just a moment 9

فقط یک لحظه

just a second 9

فقط یک لحظه

make a voyage 9

سفر کردن

make lunch / dinner 9

ناهار / شام درست کردن

on shifts 9

نوبتی

pack for a trip 9

برای سفر بار بستن

recharge e-ticket 9

دوباره شارژ کردن بلیط الکترونیکی

say prayers 9

نماز خواندن، دعا کردن

set the table 9

میز چیدن

take a bus 9

سوار اتوبوس شدن

take an express 9

قطار سریع‌السیر گرفتن

That's fantastic! 9

این فوق‌العاده است!

How are you? 7	حال شما چه طور است؟	playing sports 8	ورزش کردن
How old are you? 7	شما چند ساله هستید؟	relating holy Quran 8	از برخوانی قرآن کریم
Let's have / take		searching the web 8	در وب جست و جو کردن
Something to eat / drink 7	بیا یک چیزی بخوریم / بنوشیم	play chess 8	شطرنج بازی کردن
nice to meet you 7	از آشنایی با شما خوشبختم.	take some rest 8	استراحت کردن
not bad 7	بد نیستم	walking in the park 8	پیاده روی در پارک
Pardon me 7	ببخشید	good afternoon 7	عصر به خیر
What time is it? 7	ساعت چند است؟	good morning 7	صبح به خیر
alright 7	بسیار خوب	How about...? 7	درباره چی؟

پیشوند (prefix)

پیشوند	معنی	مثال	معنی
re	again	rewrite: write again	دوباره نوشتن
un	not	unimportant: not important	بی اهمیت
im	not	impossible: not possible	ناممکن
in	not	incorrect: not correct	نادرست

dis	not/ opposite of	dislike: not like	دوست نداشتن
mid	middle	midday: the middle of the day	نیمروز

پسوندها (suffix)

پسوند	کاربرد	مثال	معنی
-er / -or	اسم ساز	writ + - er = writer translate + - or = translator	نویسنده، مترجم
-ness	اسم ساز	happy + - ness = happiness	خوشحالی، شادی
-ion / -tion / -sion /	اسم ساز	creat + - ion = creation	خلقت، آفرینش
-ful	صفت ساز	use + - ful = useful	مفید، سودمند
-ous	صفت ساز	danger + - ous = dangerous	خطرناک
-y	صفت ساز	rain + - y = rainy	بارانی
-al	صفت ساز	nature + - al = natural	طبیعی
-ly	قید ساز	slow + - ly = slowly	به آرامی